

# اخلاق سیاست‌گریز

گفت‌وگو با محمدمهدی مجاهدی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

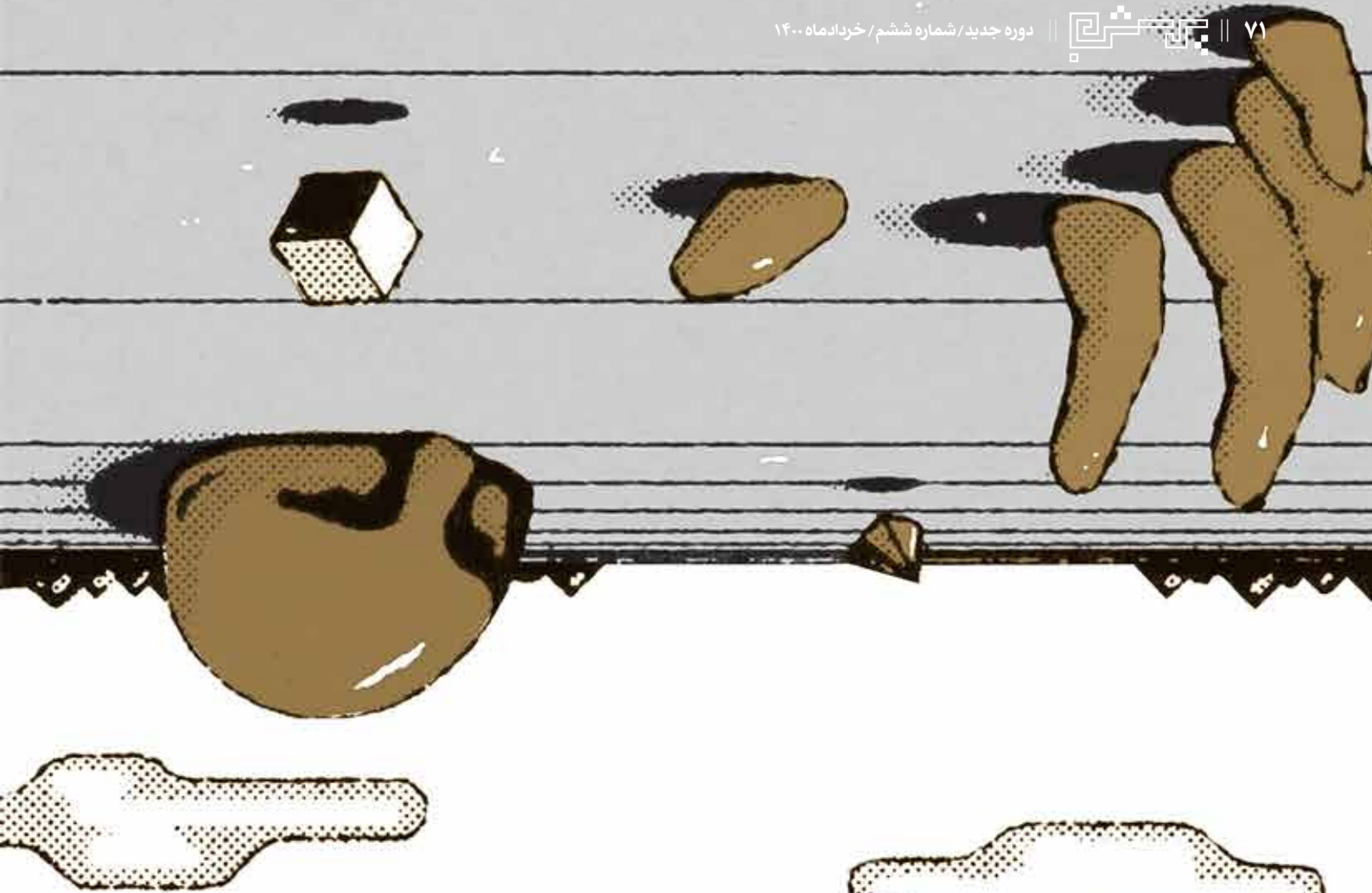
دوگانه اخلاق و سیاست از جمله دوگانه‌هایی است که در طول تاریخ و در زمان‌های گوناگون محل افتراق نظریه‌های متفاوت و متضاد بوده است. نمی‌توان از جامعه اخلاقی صحبت کرد، اما از بررسی نسبت میان دو ساخت اخلاق و سیاست و تحلیل جایگاه واقعی اخلاق در جامعه و دخالت آن در سیاست و جامعه، سخن نگفت. طبیعتاً یکی از بسترهای مورد نیاز برای نیل به جامعه اخلاقی، ایفای مسئولیت هر یک از شهروندان نسبت به یکدیگر و کلیت جامعه در راستای خیرات عمومی است. این مباحث به دلیل اهمیتی که دارند، نیازمند آن است که به صورت دقیق و عمیق، مورد تحلیل و موشکافی قرار گیرند. بنابراین بر آن شدیم تا در گفت‌وگویی خواندنی با دکتر مجاهدی به نسبت میان اخلاق و سیاست، نسبت میان نقش سیاسی مردم در جامعه اخلاقی و مفاهیم مهم و مطرح در این حوزه بپردازیم.



مهم بی‌اخلاقی ما در جامعه و سیاست است. یعنی نمی‌خواهیم بگویم این حرف خطاست؛ بلکه می‌خواهیم بگویم این حرف یک خطای خطرناک است. حتی نمی‌خواهیم بگویم این یک باور خطای خطرناک معصومانه است که از سراسر سادگی و بی‌پیرایگی رواج پیدا کرده است؛ بلکه فراتر از آن، یک خطای خطرناک پیچیده و مزورانه است. البته این تزویر لزوماً در تراز تک‌تک افرادی که این باور را دارند، عامدانه و خودآگاهانه نیست؛ بلکه عرف و تقلید و عادت و پذیرش عمومی و کارکرد آسایش‌بخشی که این باور دارد، بسیاری از ما را ناخودآگاه به سوی درونی‌کردن این باور خطای خطرناک پیچیده و مزورانه رانده است. چطور؟ از طریق مکانیزم‌های پیچیده ناخودآگاه روان‌شناختی، مکانیزم‌های گریز از مسئولیت و مکانیزم‌هایی که می‌خواهند ما را از تقیدات و تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی خلاص کنند. مکانیزم‌هایی که به ما فراغت خاطر دهند تا همه خطاهایی را که در زندگی اجتماعی جاری است،

**گرداشتی که در جامعه ما رایج است، بدبینی نسبت به ارتباط میان سیاست و اخلاق و جمع میان این دو است. چرا این قدر در جامعه راجح به پیوند اخلاق و سیاست احتیاط می‌کنیم یا اصلاً از آن گریز داریم؟**

برداشت عمومی این است که اخلاق و سیاست قابل جمع نیستند و سیاست اصطلاحاً بی‌پدر و مادر است. معمولاً وقتی این اصطلاح را با تندی به کار می‌برند منظورشان این است که شما نباید در حوزه سیاست، از ارزش‌های اخلاقی سراع بگیرید. سیاست عرصه‌ای است که در آنجا چرتکه اخلاقی از کار می‌افتد؛ چرا که سیاست با معیارها و ملاک‌هایی مستقل از ارزش‌های اخلاقی کار می‌کند و الزاماتی دارد که با الزامات اخلاقی سازگار نیست. این یک برداشت عمومی است و جناب‌عالی می‌دانید که در جامعه ما هم بسیار جا افتاده است. من می‌خواهم عرض کنم که این باور عمومی خودش یکی از منشأهای



بین زن و شوهر عادلانه و منصفانه شود. فرزندان، عدالت و انصاف را باید کجا بیاموزند.

ما باید سیاست را به معنای عام کلمه در نظر بگیریم و کنش سیاسی و حساسیت سیاسی را مشروط به کنش‌های بزرگ و درشت نکنیم. همین زندگی روزمره ما به شدت سیاسی است چون به شدت آمیخته با فساد سیاست است. همه مجاری خطا و خطر سیاست در زندگی روزمره ما جاری است. اگر مادری سعی می‌کند تبعیض و تنبیه خشونت‌آمیز در خانه کم شود، کاری سیاسی می‌کند. اگر معلمی سعی می‌کند، مناسبات فسادآلود در همان منطق ارزیابی و نمره دادن را کاهش دهد، کاری سیاسی می‌کند. همه اینها کوشش‌هایی است که افراد می‌توانند در ترازهای مختلف، آن را پیگیری کنند، به قدر وسع و اختیاری که دارند. آن‌ها نباید در کاری که در اختیارشان نیست، طمع کنند. اگر من هنوز مسئولیت همان کاری را که در اختیارم بوده، ادا نکرده‌ام، نباید منتظر فرصت‌های بزرگ برای ادای مسئولیت‌های بزرگ بمانم. چه کسی می‌تواند سراغ کارهای بزرگ برود؟ کسی که از عهده کارهایی که می‌توانسته و وظیفه‌اش بوده، برآمده باشد. بنابراین بهتر است هر کدام از ما از همان جایی که هستیم، صبورانه و شکورانه، و البته صادقانه و مُجدانه شروع و برای کشف و حذف مجاری خطا کوشش کنیم. توسعه چیزی غیر از این نیست. اگر توسعه و خیر عمومی معنایی داشته باشد، مشتقی است از چنین معادله‌ای.

قبال کاری که می‌کنید، شأن و جایگاه اجتماعی پیدا می‌کنید، مناسبات و ارتباطات اجتماعی پیدا می‌کنید، شاغل دانسته می‌شوید و درازای آن از جامعه پولی دریافت می‌کنید که به شما قدرت، امکان و درجات آزادی می‌دهد. ولی زن خانواده درقبال کاری که می‌کند، قدری نمی‌بیند، قدرتی نمی‌یابد و درجات آزادی‌اش افزوده نمی‌شود؛ بلکه روزبه‌روز به موازات کمتر شدن قوای ذهنی و جسمی او، کمتر و کمتر می‌شود، حق بیمه و بازنشستگی هم ندارد. حداکثر قدری که می‌بیند، این است که شما شاید از او تشکر کنید، یا برای او هدیه‌ای بگیرید. این دو کار با هم تناسبی ندارند. لذا این‌ها قابل مقایسه نیستند. این، وضعیتی ستم‌آلود است و باید آن را درست کرد. همان زن خانه‌دار هم درقبال این وضعیت مسئولیت دارد. مسئولیت دارد که این رشته را جایی بی‌برد، یعنی دست‌کم چنین فرهنگی را به فرزندانش منتقل نکند. این البته لازمه‌اش این است که مناسبات

در خصوصی‌ترین مناسبات خانوادگی آلوده می‌کنند.

باید حساسیت‌هایمان را از هر نقطه‌ای که ایستاده‌ایم، شروع کنیم. فکر نکنیم برای ادای مسئولیت سیاسی و مدنی باید صبر کنیم تا روزی که بتوانیم کار بزرگی بکنیم. کار بزرگ هر کس به بزرگی امکانات اوست. اگر امکانات ما در حد یک خانواده یا یک مدرسه است، کار بزرگ ما به بزرگی همان خانواده و مدرسه است. یعنی ما بزرگ‌ترین کار زندگی‌مان را کرده‌ایم اگر در آن مدرسه مجاری خطا و خطر را کشف و حذف کنیم یا دست کم از رونق آن‌ها بکاهیم. ما باید از محیط خودمان شروع کنیم و گمان نکنیم این خطاها را باید اول در دیگران بیابیم و رفع کنیم. ما خودمان بخشی از این مناسبات فسادآلود هستیم. وقتی از این تبعیض‌ها صدمه می‌خوریم، فریادمان بلند می‌شود، ولی وقتی که از آن برخوردار می‌شویم، سکوت می‌کنیم. وقتی به عنوان مرد خانواده به خانه می‌رویم و می‌بینیم همه جا تمیز است، به بچه‌ها رسیدگی شده و غذا آماده است، بسیار لذت می‌بریم و می‌گوییم همه چیز عادی است. یک لحظه به این فکر نمی‌کنیم که چرا بار همه کارهای خانه را فقط باید یک نفر به دوش بکشد، آن هم به علت جنسیتش. مرد هم که شغلی و درآمدی دارد. در حالی که مطلقاً چنین تقسیم کاری، عادلانه نیست. شما به عنوان یک مرد، در

**ما باید سیاست را به معنای عام کلمه در نظر بگیریم و کنش سیاسی و حساسیت سیاسی را مشروط به کنش‌های بزرگ و درشت نکنیم**